

دیگر از وجوه چنین برخوردی، برخورد با دانه درشت هاست. از دیگر چیزهایی که باعث ایجاد چنین نگاهی می‌شود، کوتاه نیامدن از حقوق مشروع عامه است در اموری مانند خودرو (قیمت و ایمنی آن)، جاده‌ها و تصادفات، امور پزشکی و... است که اساسی‌ترین حقوق مردم یعنی حق حیات آنها را تهدید می‌کند. بخش دیگر این تصویر، در حتمیت مجازات^۱ است. رعایت این تصویر، باعث می‌شود که مردم نیز نسبت به آرای صادر شده، کرنش لازم را داشته باشند. همچنین، عمل کردن به آنچه به دست آمده است نیز اقتدار سیستم قضایی را نشان می‌دهد. مردم باید ببینند که مسئولین قضایی در وسط میدان هستند و کار انجام می‌دهند، از همین رو، نباید به صرف برگزاری جلسات اکتفا کرد؛ جلسه خوب است ولی کافی نبوده و در درازمدت، تصویر را خراب می‌کند. سنخ دیگر نمایش این اقتدار زمانی است که قوه بخواهد وارد مسئله‌ای شده و نسبت به آن اقدامی صورت گیرد، در این صورت باید این نگاه وجود داشته باشد که قوه قضائیه قادر به انجام آن هست. وقتی شعار مبارزه با فساد وجود دارد، باید به سرانجام رسیدن این امور به گونه‌ای باشد که مردم حس کنند که قوه قضائیه می‌تواند و توانست به آن شعار را عملی کند و ایجاد چنین تصویری، بی‌شک بازدارنده نیز خواهد بود و دیگر مجرمی احساس آسایش در کشورهای آمریکای شمالی را نخواهد داشت.

بصیر

باید در نظر داشت که مجموعه عملکرد قوه باید به گونه‌ای باشد که قوه قضائیه را ناظر و بصیر به همه رویدادهای ریز و درشت جامعه دانست. وجود چنین تصویری، می‌تواند باعث ایجاد بازدارندگی و پیشگیری وضعی شود؛ به گونه‌ای که حتی مجرمی، افکار مجرمانه‌ای را در اندیشه داشته باشد، با دیدن چتر نظارتی قوه، از عملی کردن اندیشه مجرمانه خود منصرف شود.

فتاح

وجود مأموریت تولی‌گری برای قوه قضائیه، شاید این نگرانی را ایجاد کند که ورودهای قوه قضائیه ممکن است مشکل‌زا بوده و به پیچیدگی بیشتر امور منجر شود. اولاً باید در نظر گرفت که ورود قوه لزوماً نباید با ابزار کیفری و قضایی باشد و صرف

چنین ورودی، واقعاً باعث چنین نگرانی می‌شود. دوماً در مسائلی مانند واگذاری‌ها و مشکلات هیکو و... در عمل دیدیم که با حکمت و درایت، نه تنها قوه قضائیه باعث قفل شدن کارها و تعطیلی کارخانه‌ها نشد بلکه دستور اکید رئیس قوه بر جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌ها در خلال رسیدگی قضایی را در راستای چنین تصویری باید در نظر گرفت.

۲-۳. چگونگی تصویرسازی

وجود تصویر حکمت و علم و اقتدار و... در نزد افکار عمومی، باعث می‌شود که افکار عمومی، به مجموعه سیستم قضایی اعتماد کامل داشته باشد و نسبت به آنها، پذیرش عمومی وجود خواهد داشت. اما باید دید که مسائل تصویرساز کدام هستند؟ مسائلی مانند رسیدگی‌ها، احکام و آرای قضایی، انتصابات و اقدامات و دستورهای رئیس قوه از مسائل تصویرساز هست. این امور، از مواردی است که باید در آن دقت کرد... یعنی حکمی که توسط سیستم قضایی صادر می‌شود باید به گونه‌ای باشد که این ویژگی‌ها را در خود داشته و تصویر سیستم را در نزد مردم بهبود ببخشد.

یا فردی که مسئولیتی در سیستم قضایی قبول می‌کند، هم کسی که وی را منصوب می‌کند و هم خود فرد مسئول، باید این مسئله را در نظر بگیرد. کسی که فردی را به مسئولیتی منصوب می‌کند، باید دقت کند، این فرد چنین ویژگی‌هایی دارد؟ یعنی خود مسئله انتصاب این فرد باید دربرگیرنده این مسئله باشد و هم باید دقت کرد که این فرد می‌تواند در انجام وظایف محوله، طوری عمل کند که بتواند نگاه مردم را نسبت به قوه قضائیه بهبود بخشیده و در راستای اصلاح و اعتلای آن، اقدام کند؟ یا اینکه وقتی از قوه انتظار حکمت در تصمیمات وجود دارد، شاید توجه افراطی به مسئله جوانان، به این تصویر لطمه وارد کند.

”مجموعه عملکرد قوه باید به گونه‌ای باشد که قوه قضائیه را ناظر و بصیر به همه رویدادهای ریز و درشت جامعه دانست. وجود چنین تصویری، می‌تواند باعث ایجاد بازدارندگی و پیشگیری وضعی شود؛ به گونه‌ای که هر مجرمی با دیدن چتر نظارتی قوه، از عملی کردن اندیشه مجرمانه خود منصرف شود.“ ۶۶

نکنه دیگری که در حوزه مدیریت افکار عمومی و مدیریت تصویر باید مدنظر قرار داد، این است که باید مراقب باشیم اعتباری که به سختی جمع می‌شود، با یک اشتباه هدر نرود. آنچه تا به امروز مشاهده می‌شود به خصوص در مسئله اخیر هشتگ‌ها، به نظر می‌رسد مدیران رسانه‌ای هنوز در مرحله آزمون و خطا هستند و با یک خطا، همه آنچه با تلاش زیاد حاصل شده بود را نابود کرد.

با توجه به اهمیت مسئله تصویر سازمانی و اصلاح نگاه و مسئله مهم افکار عمومی، قوه قضائیه نباید از ظرفیت عظیم رسانه غافل شود. مسئله رسانه اگر به درستی فهم شود و بتواند در خدمت اهداف والا باشد، می‌تواند تحول را به نمایش بگذارد. از این ظرفیت می‌توان در نمایش اقدامات صورت گرفته، آموزش مردم، نمایش سلامت و دقت قوه قضائیه در رسیدگی به حقوق مردم، فرهنگ‌سازی و مسائلی از این دست استفاده کرد. از همین رو، می‌توان از طریق سرمایه‌گذاری و حمایت از برنامه‌های تصویرساز در عرصه مسائل مربوط به قوه قضائیه و تهیه و پخش برنامه‌های فرهنگ‌ساز مانند مستند زندگی مجرمین که می‌تواند بازدارنده و آموزشی باشد، اهتمام ویژه‌ای داشت.

آگاهی بخشی، مقدمه همه سیاست‌های قضایی

به منظور افزایش آگاهی‌های عمومی، پیشگیری از جرم، توجیه مجازات و... باید به مسئله آگاهی‌بخشی و آگاه‌سازی مردم اقدام کرد. در واقع وقتی آگاهی‌بخشی درست صورت بگیرد، باعث می‌شود تصمیمات اتخاذ شده توسط سیستم قضایی نیز مشروعیت لازم را داشته باشد زیرا در مرحله آگاهی‌بخشی که مقدم بر سایر امور و تصمیمات هست، اتمام حجت لازم وجود خواهد داشت.

مردم باید نسبت به حقوق و تکالیف خود آگاه باشند؛ مهم‌ترین وظیفه قوه در اولین قدم، انداز و آگاهی‌بخشی درست باشد.^۲ این آگاهی‌بخشی باید به صورتی انجام شود که مردم نسبت به حقوق و تکالیف خود اطلاع کافی داشته باشند. یکی از اتفاقاتی که باید در این عرصه صورت بگیرد این است که مخاطب قوانین، باید مردم باشد نه حقوق دانان؛ یعنی قانون برای مردم نوشته شود و مردم نیز بتوانند با خواندن آن، به مسائل آن آشنا گردند و از حقوق